

۱. پنج ضلعی مطالعه

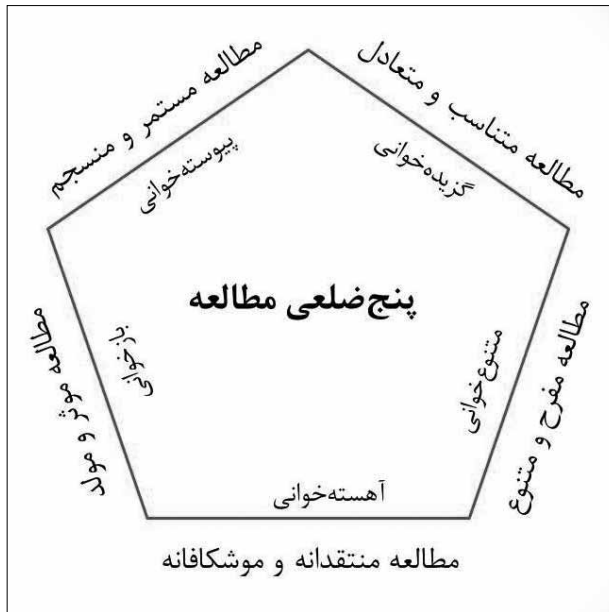
پس از مدت‌ها که به عنوان کتابدار ناگزیر بودم در مصاحبه‌ها و جلسه‌ها دربارهٔ تکنیک‌ها و فنون مطالعه صحبت کنم، روزی تجربه‌هایم را در این زمینه دسته‌بندی کردم. نتیجهٔ آن مقالهٔ «هشت ضلعی مطالعه» بود که در سال ۱۳۸۹ منتشر شد^(۱). اکنون که چهار سال از طرح این مدل می‌گذرد، می‌بینم کمی مفصل است و چه بسا خواننده را از اجرای فنون پیشنهادی پشیمان کند. در نتیجه به نظر رسید با حذف سه ضلع، «پنج ضلعی مطالعه» را به عنوان نسخهٔ موجز ارائه کنم. امید آنکه به کار آید. این مدل شامل پنج مفهوم است. هر یک نیز به توصیف وجهی از فرایند خواندن اختصاص دارد. به این امید که از کنار هم قرار گرفتن آن‌ها فرایند مطالعه اثربخش و کارآمد گردد.

ضلع نخست، «مطالعه مستمر و منسجم» است. به این معنا که مطالعهٔ ما مستقل از عوامل بیرونی - مثل اجبار امتحان - در کنار سایر امور روزانه در متن زندگی جاری باشد. مقطعی و گذرا نباشد. به زمانی خاص محدود نشود و جریانی مستمر را تشکیل دهد. زیرا خواندن فقط زمانی موثر است که با کتاب همراه و مانوس باشیم. مطالعهٔ مستمر مصداقی از «پیوسته‌خوانی» است که استاد بهاء‌الدین خرمشاهی نیز بر آن تاکید دارند^(۲). این پیوستگی دو وجه «زمانی» و «محتوایی» دارد. وجه زمانی آن همان استمرار در خواندن است. وجه

(۱) منصوریان، یزدان (۱۳۸۹) هشت ضلعی مطالعه: مدلی برای خواندن. مجله عطف، دسترس‌پذیر در:

<http://www2.atfmag.info/>

(۱۳۸۹) «قلم‌رنجه (۵): پیوسته‌خوانی». بخارا، دوره ۱۳، شماره ۷۷ و ۷۸، ص. ۳۸۳-



محتوایی با انسجام در مطالب خواندنی حاصل می‌شود. باید بین مطالبی که برای خواندن انتخاب می‌کنیم نوعی نظم و پیوند منطقی وجود داشته باشد، تا از این رهگذر بتوانیم دانش و بینش خود را بهبود بخشیم.

ضلع دوم «مطالعه متناسب و متعادل» است. مطالعه زمانی موثر است که با نیاز و سطح توانایی ذهنی خواننده متناسب باشد. مثلاً نمی‌توان انتظار داشت دانش‌آموزی دبیرستانی کتابی فلسفی و مفصل را بخواند. زیرا فعلاً او مخاطب چنین کتابی نیست. حفظ تعادل در خواندن نیز اهمیت دارد. افراط در مطالعه نتیجه مطلوبی ندارد. خواننده باید فرصتی را به تحلیل مطالب اختصاص دهد. افرادی در مطالعه موفقند که بر اساس معیارهایی مشخص به انتخاب بهترین منابع پردازند. در نتیجه آنان «گزیده‌خوان» هستند و از «پرخوانی» پرهیز می‌کنند. باز هم به قول استاد خرمشاهی^(۱) «گزیده‌خوانی» بهتر از «پرخوانی» است.

سومین ضلع «مطالعه مفرح و متنوع» است. خواندن زمانی موثر است که برای خواننده شادی‌آفرین باشد. مطالعه اجباری به تکلیفی دشوار تبدیل می‌شود و اثربخش نخواهد بود. ضمناً مطالعه باید متنوع باشد. بهتر است خود را به یک نویسنده یا شکل خاصی از مطالب محدود نکنیم. تنوع در مطالب در گسترش افق دید خواننده موثر است. او را از تک بعدی شدن و یک‌سونگری‌رهایی می‌بخشد. البته مطالعه متنوع به معنای «پراکنده‌خوانی» نیست. بلکه راهی برای گسترش دامنه مطالب است. زیرا در نهایت باید انسجامی میان منابع متنوع

(۱) خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۸) «بازخوانی بهتر از بسیار خوانی». نشر دانش، شماره ۵۳، ص. ۲۷-۲۴.



• دکتر یزدان منصوریان

وجود داشته باشد. می‌توان این وجه از خواندن را «متنوع‌خوانی» نامید. با تنوع در متون، خواننده خود را به یک نویسنده یا یک قالب نوشتاری محدود نمی‌کند. بلکه آراء گوناگون را می‌شنود و بهترین موارد را انتخاب می‌کند. ضلع چهارم «مطالعه منتقدانه و موشکافانه» است. خواندنی که با تفکر انتقادی همراه است. مطالعه‌ای که خواننده را از دریافت‌کننده منفعل اطلاعات به تحلیلگری کارآمد تبدیل می‌کند. کسی که به ارزیابی متون می‌پردازد و از پذیرش بی‌قید و شرط آنچه مکتوب است پرهیز می‌کند. مفهوم «آهسته‌خوانی» مصداقی از همین رویکرد است که در ششمین سری از «یادداشت‌های یک کتابدار» در شماره ۱۰۲ «بخارا» به آن پرداخته‌ام.

آخرین ضلع این مدل «مطالعه موثر و مولد» است. چنانچه به چهار بخش پیشین توجه شود، می‌توان امیدوار بود محصول خواندن با یادگیری عمیق همراه باشد. مطالعه‌ای مولد است که بتوان نتایج مفید آن را در زندگی دید. هر گاه خواننده بتواند علاوه بر یادگیری از مطالب خواندنی، یافته‌های خود را در اختیار دیگران قرار دهد، به مطالعه مولد رسیده است. زیرا هم از خرمن اندیشه دیگران خوشه چیده، هم با تفسیر اطلاعات بر این خرمن افزوده است. «بازخوانی» شرط اصلی برای رسیدن به مطالعه مولد است. زیرا فرصتی برای تحلیل و تفسیر در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

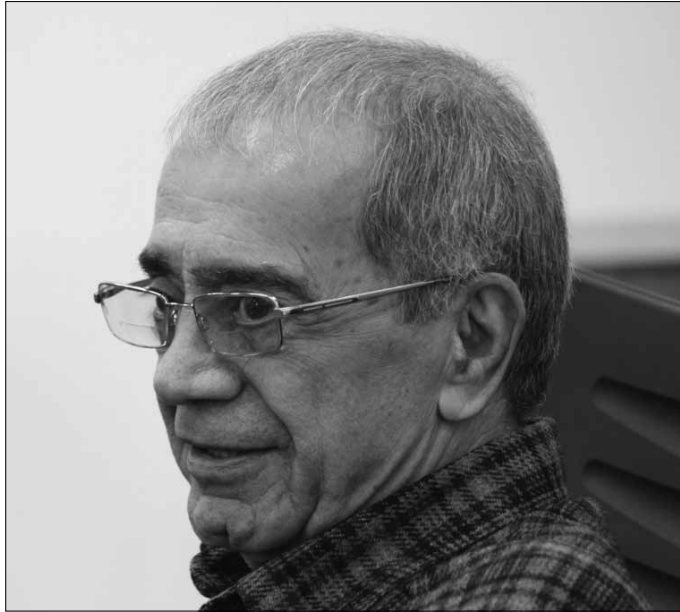
ممکن است این پرسش مطرح شود که برای هر یک از این اضلاع چه تمرینی مفید است. نمی‌توان نسخه‌ای عمومی در این زمینه تدوین کرد. زیرا بسته به تحصیلات، مهارت ذهنی و زبانی، و دانش تخصصی افراد، توصیه‌ها متفاوت است. اما هر گاه مطالعه ما همراه

با درنگ و تأمل باشد، امید بیشتری برای رسیدن به مطالعه موثر و مولد وجود دارد. نخست آنکه بهتر است درباره آنچه می‌خوانیم، به اختصار مطلبی بنویسیم. لازم نیست خیلی مفصل باشد. کفایت نظراتان را درباره داستان یا رمانی که اخیراً خوانده‌اید در یکی دو صفحه بنویسید. همین بازنویسی تمرینی برای توسعه مهارت خواندن است. اگر حوصله یا وقت نوشتن ندارید، با دوستانتان درباره آنچه می‌خوانید صحبت کنید. حتی گفتگویی مختصر برای تحلیل مطالب و به یادسپاری آن‌ها مفید است. هر چند نباید خیلی نگران فراموشی مطالب خوانده شده باشید. زیرا ردپایی از آنچه می‌خوانیم در ذهن خواهد ماند. مرور نقد دیگران درباره آثار موجود نیز مفید است. سرانجام، فراموش نکنید که باید از مطالعه لذت ببرید و آن را همچون وظیفه‌ای دشوار تلقی نکنید. مطالعه زمانی موثر است که وجود ما را غرق شادی و سرور سازد. ایدون باد!

۲. پاداش خواندن

استاد کامران فانی که به شهادت دوستان و همکارانش بیش از هر شهروند دیگر این کشور کتاب خوانده، بر این باور است که پاداش مطالعه در خود مطالعه نهفته است. اگر کسی لذت خواندن را بچشد، به انگیزه دیگری نیاز ندارد که مطالعه او را استمرار بخشد. ایشان که به قول دکتر نورالله مرادی - در مقدمه کتاب مرجع‌شناسی - بار امانت کتاب ایران را فروتانه بر دوش دارد، در دیدار با جمعی از دوستان خود در ۲۴ دیماه امسال در کتابفروشی آینده، گفت در همه این سال‌ها آنقدر غرق مطالعه بوده که فرصتی برای نوشتن نداشته است: «نوشتن و تالیف ضدکتابخوانی است، می‌دانید که کتابخوانی فی‌نفسه لذت‌بخش است. تالیف و ترجمه لذت کتابخوانی را از نویسنده و مترجم می‌گیرد. آنهایی که مرا می‌شناسند به خوبی می‌دانند بعد از دوره‌ای دیگر ننوشتم، و وقتم را برای خواندن صرف کردم». به این ترتیب لذت خواندن مهمترین انگیزه درونی مطالعه برای بسیاری از اهالی فرهنگ بوده است. اتفاقاً در آثار مرتبط با ترویج خواندن نیز بر این نکته تأکید شده که ما فقط زمانی به مطالعه علاقه‌مند می‌شویم که لذت آن را بچشیم. مقاله‌ای با عنوان «خواندن به قصد لذت» که ۴۱ سال پیش (۱۳۵۲) با ترجمه زنده‌یاد دکتر عباس حرّی در شماره چهارم از دوره ششم «نامه انجمن کتابداران ایران» منتشر شده است، به همین موضوع اشاره دارد. نویسنده آن - «ال. ای. جی استرانگ»^(۱) - تنها دلیل معقول مطالعه هر نوشته‌ای را لذت خواندن می‌داند، و توصیه می‌کند فقط آنچه را دوست داریم بخوانیم. البته بر این باور است که لذت خواندن وجوه مختلف دارد و برای همه یکسان نیست. این واقعیت را نیز انکار نمی‌کند که گاه ممکن است در شرایطی مجبور به خواندن متنی باشیم که علاقه‌ای به آن نداریم. مثال بارز آن برخی از دروس دوران تحصیل است. استرانگ با مرور انگیزه‌های افراد از مطالعه آنان را به چند گروه تقسیم می‌کند. گروه نخست تظاهر به خواندن می‌کنند. اگر کتابی را می‌خوانند بیشتر

1) L. A. G. Strong



• دکتر عباس حرّی

می‌خواهند به دیگران بگویند در جریان محتوای آن هستند. می‌خوانند تا از قافله عقب نمانند و در جمع دوستان به بی‌فرهنگی متهم نشوند. گروه دوم مطالعه را فعالیتی سودمند تلقی می‌کنند. در نتیجه با امید برخورداری از منافع مشخص، رنج خواندن را بر خویش هموار می‌سازند. آنان مطالعه را وظیفه‌ای دشوار ولی مفید می‌دانند. وظیفه‌ای که به دلیل فایده‌هایی که دارد، به زحمتش می‌ارزد! در نتیجه ریاضت خواندن را به جان می‌خرند، تا از مزایای آن بهره‌مند شوند. گروه سوم در جستجوی سودی غیر مستقیمند. برای خشنودی دیگران کتاب می‌خوانند. مثلاً دانش‌آموزی که برای کسب رضایت والدین یا معلمش کتاب مورد علاقه آنان را می‌خواند.

بی‌تردید هیچ یک از این انگیزه‌ها اصیل نیست. در نتیجه ضمانتی برای بهره‌مندی از مزایای مطالعه و استمرار آن نخواهد بود. بلکه به قول استرانگ: «تنها زمانی می‌توان از کتاب ثمری گرفت که روح خواننده با روح کتاب یکی شود. کتاب مانند یک انسان زنده است، اگر قرار است حسن تفاهمی فیما بین باشد، باید با آن مانند یک رفیق برخورد کرد و با شور و شوق آن را دوست داشت» (ص. ۵-۶). بر همین اساس، به نظرم مطالعه از جنس گفتگوست. مثل هر گفتگوی دیگر زمانی اثربخش است که در فضایی آکنده از همدلی صورت پذیرد. آنچه این همدلی را میسر می‌سازد افق‌های فکری مشترک نویسنده و خواننده است. افقی که زمینه‌ساز ارتباط اندیشه آنان خواهد بود. به این ترتیب گفتگوی نویسنده و خواننده شادی‌آفرین خواهد بود. استرانگ در پایان توصیه می‌کند: «تنها کاری که یک معلم صادقانه می‌تواند انجام دهد، این است که کوشش کند به کودکان نشان دهد که چگونه می‌توانند از

خواندن به صورت گسترده‌تر، بیشتر لذت ببرند. مطلب اساسی در باب خواندن کتاب‌های خوب و با ارزش و واقعی این است که زمانی انسان می‌تواند از آن‌ها لذت ببرد که لذتی بیشتر از کتب کم‌ارزشتر و سبکتر و غیرواقعی‌تر به او بخشد. پس آنچه به فرایند خواندن استمرار می‌بخشد و آن را به بخشی تفکیک‌ناپذیر از زندگی روزمره ما بدل می‌سازد، لذتی است که از مطالعه نصییمان می‌شود. بنابراین، اگر می‌خواهیم کودکانمان اهل مطالعه و با کتاب مأنوس باشند، باید آنان را با لذت مطالعه آشنا سازیم و آن را به عنوان فعالیتی مفرح و دلپذیر معرفی کنیم.

۳. هراس از انبوهی اطلاعات

استاد محمود دولت‌آبادی در صفحه ۲۶ کتاب «نون نوشتن» می‌نویسد: «احساس می‌کنم از کتاب‌ها می‌ترسم. هر وقت خودم را در میان کتاب‌ها می‌بینم، با صراحت بی‌رحمانه‌ای احساس نادانی می‌کنم. جهل! هیهات! با این جهل ثقیل و انبوه، چگونه می‌توان زندگی کرد؟ چگونه می‌توان زندگی را شناخت و توجیه کرد؟ چگونه می‌توان در سرنوشت آن دخالت داشت؟». بسیاری از ما بارها این احساس را تجربه کرده‌ایم. بویژه برای ما کتابداران که عمری را در میان قفسه‌های کتاب می‌گذاریم، مواجهه با این وضعیت بیشتر رخ می‌دهد. از یک سو زمانی که خود را در میان هزاران کتاب در ردیف‌های پی‌درپی قفسه‌ها می‌بینیم، ناگزیریم این واقعیت را بپذیریم کوتاهی عمر مجال خواندن یک هزارم آن را هم نمی‌دهد. در نتیجه، بار این نادانی ناخواسته بیشتر بر گرده آدمی سنگینی می‌کند. چه بسیارند آثار ارزشمندی که سال‌هاست قصد خواندنشان را داریم، اما امکانش را نمی‌یابیم. هر روز هم با انتشار متون جدید بر فهرست این آثار افزوده می‌شود. از سویی دیگر، زمانی که می‌بینیم حاصل عمر اندیشمندی بزرگ در کتابی موجز خلاصه شده، که در میان هزاران اثر دیگر قطره‌ای از یک دریاست، می‌فهمیم سهم ما برای افزودن به این مجموعه در بهترین شرایط کمتر از آجری در آسمان خراشی گول‌پیکر است. حاصل این شرایط حیرت و سرگردانی است.

با این حال، فنونی برای کاستن از هراس ناشی از این بحران وجود دارد. نخست آنکه نباید فراموش کنیم که چاره‌ای جز «گزیده‌خوانی» نداریم. مفهومی که پیشتر به آن اشاره کردم. بنابراین، نباید هر کتابی را خواند. زیرا با حجم عظیم انتشارات و عمر کوتاه آدمی هر اثر ارزش یکبار خواندن را ندارد. کتابی که می‌خوانیم باید بر اساس معیارهایی معین انتخاب شود. معیارهایی نظیر نویسنده، مترجم، ناشر، موضوع، سال نشر و غیره. پس از مدتی مطالعه هر یک از ما فهرستی از مولفان، مترجمان و ناشرانی که مورد علاقه و اعتماد ما هستند در ذهن خواهیم ساخت. این فهرست کمک بزرگی برای انتخاب بهتر خواهد بود.

دوم آنکه قرار نیست هر کتابی را از ابتدا تا انتها بخوانیم. بجز داستان و رمان، معمولاً نیازی به مطالعه تمام بخشهای یک اثر نیست. بنابراین آنچه به عنوان «گزیده‌خوانی» مطرح می‌شود دو سطح دارد. سطح نخست انتخاب یک کتاب یا مقاله از میان انبوه متون است،



۷

که بر اساس معیارهایی نظیر پدیدآور و محتوا انجام می‌شود. سطح دوم گزینش درون متنی است. بسته به هدف خواندن و محتوای یک متن خواننده باید به بخش‌های مورد نیاز خود مراجعه کند. گاهی هدف از مطالعه کسب اطلاعات مقدماتی درباره‌ی یک موضوع است. گاه خواننده با هدف تطبیق دو مطلب به چند منبع مراجعه می‌کند. گاه فقط هدف یافتن یک فقره اطلاعاتی مشخص در یک منبع است. مثل آنچه در منابع مرجع انجام می‌شود.

نکته دیگر در این زمینه توجه به ماهیت اطلاعات اطراف ماست. حجم عمده‌ای از انبوه اطلاعات روزگار ما حاصل تکرار و تکثیر بی‌رویه است. ما به شدت با افزونگی و «اطلاعات زائد و تکراری»^(۱) مواجه‌ایم. برای آزمایش وخامت اوضاع کفایت آزمایشی ساده انجام دهید. در یکی از موتورهای کاوش - مثل گوگل - کلیدواژه‌ای - مثل «خواص سیب» - را تایپ کنید. نتیجه این جستجو بیش از یک میلیون فقره اطلاعاتی است. هر چند فقط بخش ناچیزی از این حجم عظیم درباره‌ی خواص سیب است و در مابقی فقط دو کلمه «خواص» و «سیب» در متن وجود داشته و ربطی به جستجوی ما ندارد. در بحث بازیابی اطلاعات به منابع غیر مرتبط در فهرست نتایج «ریش کاذب»^(۲) می‌گویند. با این حال، در میان همان موارد معدود و مرتبط کفایت محتوای ده عنوان نخست در صفحه اول را مقایسه کنید.

1) Redundant and Duplicated Information

2) False Drop or False Hits

خواهید دید که همپوشانی بسیار زیادی بین آنها وجود دارد. حتی در اغلب موارد مطالب عیناً کپی شده و مشخص نیست که کدام سایت از کدامیک کپی کرده است! منبع نخست در این بلبشوی روزافزون گم شده است! در نتیجه بخش عمده‌ای از انبوهی اطلاعات حاصل تکرار است. ضمناً تا فراموش نکرده‌ام یادآوری کنم که به اطلاعات پزشکی و بهداشتی موجود در اینترنت همواره با دیده تردید بنگرید. زیرا نظارتی بر تولید محتوای الکترونیکی وجود ندارد و بخش عمده‌ای از مطالب فاقد اصالت و استناد لازم است و چه بسا پر از خطا و اشتباه باشند. بنابراین، توصیه‌های اینترنتی را خیلی جدی نگیرید! به این ترتیب، با اتخاذ تدابیری می‌توان کمی از هراس ناشی از انبوهی اطلاعات کاست و از این سیل خروشان که به سویمان سرازیر می‌شود سر به سلامت برد! ایدون باد!

۴. صد ویژگی کتاب‌های کارآمد و اثربخش

همانطور که پیشتر اشاره شد، گزینش یک کتاب باید مبتنی بر شاخص‌هایی مشخص باشد تا به نتیجه‌ای مطلوب برسد. بسته به نوع متن و جامعه مخاطبش این شاخص‌ها کم و بیش متفاوتند. هر چند همواره معیارهایی مشترک نیز وجود دارد. اخیراً در فصلنامه «پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی» متعلق به سازمان سمت، مقاله‌ای نوشته‌ام که به معرفی صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش می‌پردازد^(۱). البته نگران نباشید. نمی‌خواهم تمام آن صد ویژگی را اینجا تکرار کنم. فقط تعریفی از دو مفهوم «کارآمدی» و «اثربخشی» آثار می‌نویسم و به ده مقوله اصلی آن مقاله اشاره می‌کنم.

به نظرم کتابی کارآمد است که بتواند پیام اصلی پدیدآورش را به روشنی تبیین و هدف نهایی از نگارش خود را تأمین کند. کتابی که بتواند مخاطب واقعی خود را بیابد و با او ارتباط برقرار سازد. زیرا جریان مطالعه هر متن همچون گفتگویی است که بین مولف و خواننده جریان دارد. نوشتن از جنس گفتن و خواندن از جنس شنیدن است. منظور از اثربخشی نیز بازتابی است که هر کتاب بر مخاطبش دارد. زیرا سرنوشت هر کتاب را خوانندگان آن تعیین می‌کنند. بنابراین، کتابی که بتواند بازتابی مثبت بر جامعه مخاطب داشته باشد و تحولی در اندیشه آنان ایجاد کند اثربخش خواهد بود. ده مقوله پیشنهادی هم که شاخصی برای ارزیابی میزان کارایی و اثربخشی کتاب‌های دانشگاهی هستند، عبارتند از: تخصص‌گرایی و هدفمندی موضوعی، توان نظری و دلالت‌های کاربردی، توان استنادی و ماهیت میان‌رشته‌ای، جامعیت و روزآمدی، صلاحیت و کارنامه پدیدآورندگان، پاکیزگی نگارشی و ادبی، انسجام محتوایی و ساختاری، همخوانی با نظریه‌های یادگیری، ماهیت تعاملی و توان انگیزشی، ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری.

بنابراین، می‌توان امیدوار بود کتابی که سهم قابل قبولی از این ویژگی‌ها در آن یافت

(۱) منصوریان، یزدان (۱۳۹۲) صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی. دوره ۱۷، ش. ۲۹، ص. ۱۷-۱.

شود، به چنین اهدافی دست یابد. بر این اساس، انتظار می‌رود چنین اثری با پوشش جامعی از حوزه موضوعی مشخص تخصص‌گرایی لازم را داشته باشد و در خدمت هدف معینی قرار گیرد. از سویی دیگر؛ ضمن برخورداری از نتایج کاربردی بر مبنای نظری مستحکمی استوار باشد و در شبکه‌ای از پیوندهای استنادی جایی در میان آثار مرتبط به خود اختصاص دهد. علاوه بر این چنین کتابی جامع و روزآمد است و بازتابی از تحولات روز را به نمایش می‌گذارد. پدیدآورندگان آن نیز معمولاً صاحب شهرت و اعتبار در زمینه موضوعی مورد نظر هستند و پیشینه‌ای درخشان دارند. از سویی دیگر آثار اثربخش به خوبی با مخاطب ارتباط برقرار می‌سازند و انگیزه او را در پیگیری موضوع تقویت می‌کنند. آنچه در این فرایند ارتباطی و انگیزشی نقش آفرین است، علاوه بر محتوای علمی، نثر و ساختار دلپذیر و پاکیزه‌ای است که در آنها دیده می‌شود.

۵. اخلاق حرفه‌ای کتابداران

رسالت اساسی کتابداران ارتقاء سطح دسترسی به اطلاعات، گسترش جریان دانش در جامعه و افزایش آگاهی عمومیست. آنان پاسداری از میراث مکتوب بشری و سازماندهی آن را نیز بر عهده دارند. در طول تاریخ چند هزار ساله این حرفه کتابخانه‌های کوچک و بزرگ در سراسر جهان جایگاهی برای تحقق این رسالت بوده‌اند. به نحوی که بتوانند محیطی پذیرا ایجاد کنند و دسترسی به متون متنوع را برای همگان میسر سازند. عملکرد کتابداران نیز مبتنی بر مجموعه‌ای از مبانی نظری و فلسفی است که روشنگر راهشان بوده است. آنان با گزینش، گردآوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات در گسترش دانش و آگاهی نقش دارند. در مقاله‌ای با عنوان «صد شغل برای کتابداران»^(۱) به جزئیات مشاغل کتابداران در عصر حاضر پرداخته‌ام که علاقه‌مندان می‌توانند به آن مراجعه کنند. بر این اساس، حرفه کتابداری ماهیتی عملگرا و پشتوانه‌ای نظری دارد. برای تحقق مبانی نظری آن در عمل و به دلیل ماهیت خدمت‌رسانی این حرفه کتابداران نیازمند پایبندی به اخلاق حرفه‌ای هستند. دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی درباره اخلاق حرفه‌ای می‌نویسد: «مجموعه‌ای از کنشها و واکنش‌های اخلاقی پذیرفته شده که از سوی سازمانها یا مجامع حرفه‌ای مقرر می‌شود، تا مطلوبترین روابط اجتماعی را برای اعضاء خود در اجرای وظایف حرفه‌ای فراهم آورد. این اخلاق در برگیرنده مجموعه‌ای از احکام ارزشی، تکالیف، رفتار، سلوک و دستورهایی برای اجراست» (ص. ۱۱۱).

به این ترتیب اخلاق حرفه‌ای کتابداری متناسب با قلمرو این حرفه تدوین شده است. به شکلی که حقوق ذینفعان مرتبط با کتابخانه محفوظ بماند. منظور از ذینفعان کسانی هستند که به نوعی با کتابخانه در ارتباطند. نویسندگان، ناشران و کاربران سه گروه اصلی این

(۱) منصوریان، یزدان (۱۳۹۰) صد شغل برای کتابداران: پست‌های سازمانی نوین در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی. مجله مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات. دوره ۲۲، ش. ۳، ص. ۱۰۳-۸۹.

جامعه‌اند. احترام به حقوق مولف و پرهیز از سانسور خودسرانه از جمله حقوقی است که متعلق به پدیدآورندگان و ناشران است. کتابداران نیز خود را موظف به رعایت آن می‌دانند. تلاش برای برقراری «جریان آزاد اطلاعات»^(۱)، باور به «آزادی خواندن»^(۲)، احترام به حریم خصوصی افراد، رفتار توأم با احترام و ارائه خدمات مناسب با نیاز کاربران از جمله مفاهیمی است که کتابداران خود را موظف به رعایت آن می‌دانند. به این ترتیب اخلاق حرفه‌ای حکم می‌کند که کتابداران با سعه صدر و خوشرویی متون را در اختیار کاربران قرار دهند. بر اساس سلیقه شخصی مانع دسترسی به اطلاعات نباشند. در مورد ماهیت و محتوای آثاری که کاربران به امانت می‌برند نیز کنجکاوی نکنند. به این معنا که نباید بر اساس نوع کتابی که عضوی از کتابخانه به امانت می‌برد درباره شخصیت و جایگاه اجتماعی او داوری کنند. همچنین مشخصات فردی اعضای نیز نزد آنان امانت است و نباید در اختیار دیگران قرار گیرد.

شاخه استان قم «انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران»^(۳) در سال ۱۳۸۷ کتابی با عنوان «اخلاق حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان» تدوین کرده که با همت نشر کتابدار منتشر شده است. در این اثر علاوه بر مقدماتی درباره ماهیت اخلاق حرفه‌ای، پنج نظام عمده اخلاقی معرفی شده که عبارتند از: نظام فایده‌گرا، نظام وظیفه‌گرا، نظریه عدالت فراگیر، و نظریه زیبا و خیر مطلق. در فصل پنجم، منشور اخلاق کتابداری ۳۰ کشور جهان ترجمه شده است. پیش‌نویس «اصول اخلاقی کتابداران و اطلاع‌رسانان ایران» نیز در ادامه این فهرست ارائه شده که شامل هفت بخش است: مسئولیت در قبال خود، مسئولیت در قبال همکاران، مسئولیت در قبال استفاده‌کنندگان، مسئولیت در قبال سازمان مربوطه، مسئولیت در قبال حرفه، مسئولیت در قبال متخصصان سایر رشته‌ها، و مسئولیت در قبال جامعه. به عنوان نمونه یک بند از هر مقوله در ادامه آمده است:

وفاداری به اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی همانند انسان‌دوستی، بیان عقاید، احترام به همه افراد بدون توجه به موقعیت اجتماعی، مذهب، ملیت، جنس، سن، دیدگاه‌های سیاسی و غیره.

کتابداران باید با همکاران خود با نهایت احترام برخورد کنند و از بکار بردن هر گونه الفاظ و رفتاری که موجب لطمه دیدن روابط آن‌ها می‌گردد پرهیزند.

کتابداران باید با کاربران صادق باشند و با متانت، انصاف، عدالت، و صمیمیت عمل کنند و از انجام اعمال خلاف قانون، اخلاق، رسوم، و مصلحت عمومی خودداری کنند. تفکیک بین اعتقادات شخصی و وظایف حرفه‌ای و خودداری از دخالت عقاید شخصی در اجرای اهداف سازمان، یا ایجاد دسترسی به منابع و تلاش برای تحقق رسالت سازمان

1) Free Flow of Information

2) The Freedom to Read

3) <http://ilisa.ir/>



محل خدمت.

عشق به کار خود و قائل شدن ارزش والا برای جایگاه حرفه‌ای کتابداری. کتابداران باید بر اساس رعایت احترام متقابل و تشریک مساعی، با متخصصان حرفه‌های دیگر در تعامل باشند. ما کتابداران و اطلاع‌رسانان ایران، در ایفای نقش حرفه‌ای خود باید به شرافت اجتماعی و اخلاقیات توجه کنیم و احترام به کشور خویش را در اولویت قرار دهیم.

۶. منشور جهانی اخلاق حرفه‌ای ایفلا

در کشورهای مختلف انجمن‌های کتابداری وظیفه تدوین منشور اخلاقی را در این رشته بر عهده دارند. در سطح جهانی نیز «فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و موسسات کتابداری» (ایفلا)^(۱) منشوری بین‌المللی تدوین کرده که متن کامل آن با عنوان «اخلاق حرفه‌ای برای کتابداران و سایر متخصصان اطلاع‌رسانی»^(۲) در سایت ایفلا^(۳) موجود است. این منشور شش محور دارد. محور نخست مربوط به «دسترسی به اطلاعات»^(۴) است. بر اساس آن کتابخانه‌ها موظفند امکان دسترسی سریع و آسان را به متون برای عموم مردم فراهم آورند، و پاسخگوی نیازهای اطلاعاتی آنان باشند. این نیازها متنوع است و طیفی از مباحث فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و سرگرمی را در بر می‌گیرد. کتابخانه با ارتقاء سطح دسترسی به منابع علمی و فرهنگی در توسعه دانایی مشارکت دارند و زمینه رشد مردم‌سالاری را فراهم می‌آورند.

1) The International Federation of Library Associations and Institutions (IFLA)

2) IFLA Code of Ethics for Librarians and other Information Workers

3) <http://www.ifla.org/>

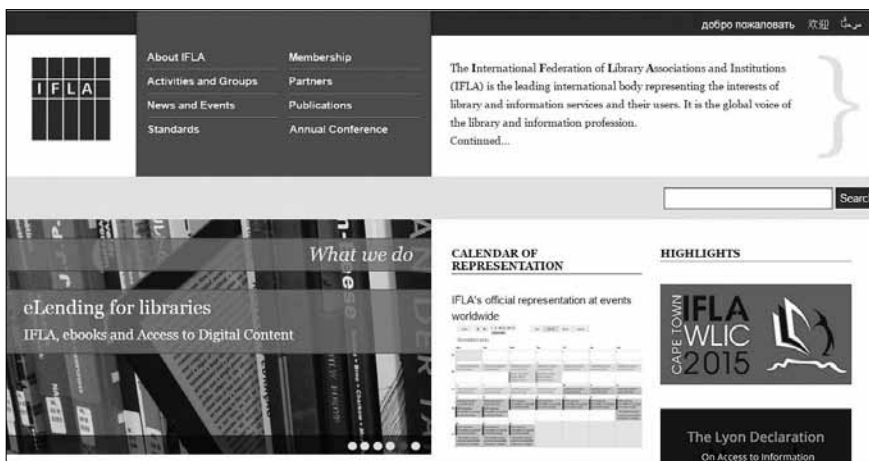
4) Access to Information

اصل دوم «مسئولیت در قبال افراد و جامعه»^(۱) است. کتابداران با هدف برچیدن تبعیض در جامعه حق دسترسی آزاد به اطلاعات را برای همه گروه‌های اجتماعی محترم می‌شمارند. در نتیجه آنان فارغ از معیارهایی همچون نژاد، ملیت، سن، جنسیت، گرایش‌های سیاسی، باورهای مذهبی، میزان تحصیلات، سطح درآمد، طبقه اجتماعی یا هر شاخص تفکیک‌کننده دیگر، پاسدار حقوق همگان در دستیابی به دانش و آگاهی هستند. بنابراین، اقلیت‌های قومی، مذهبی، زبانی یا گروه‌های خاص - مثل معلولان، زندانیان یا سایر اقشار آسیب‌پذیر - را از دسترسی به اطلاعات محروم نمی‌کنند و به نیازهای آنان نیز توجه دارند.

اصل سوم «حریم خصوصی، رازداری و شفافیت»^(۲) است. کتابداران به حریم خصوصی افراد احترام می‌گذارند و از اطلاعات شخصی آنان محافظت می‌کنند. آنان از افشای نیازهای اطلاعاتی و علائق مطالعاتی کاربران پرهیز می‌کنند و رازدار اعضاء کتابخانه‌اند. اصل چهارم «دسترسی باز و مالکیت معنوی»^(۳) است که بر اساس آن کتابداران می‌کوشند بالاترین سطح دسترسی عمومی به اطلاعات را فراهم آورند. در نتیجه از «جنش دسترسی آزاد/ باز»^(۴) حمایت می‌کنند و خواهان گسترش آن هستند. امکانات موجود را به خدمت می‌گیرند تا دسترسی منصفانه، آسان و موثر به منابع برای بیشترین تعداد کاربران میسر باشد. در عین حال حقوق پدیدآورندگان آثار از جمله مولفان و ناشران را از یاد نمی‌برند و حافظ «حق مولف» و «مالکیت معنوی» هستند.

اصل پنجم با عنوان «بی‌طرفی، شرافت و مهارت‌های حرفه‌ای»^(۵) بر ویژگی‌های شخصیتی و مهارتی کتابداران تأکید دارد. منظور از بی‌طرفی پرهیز از پیش‌داوری، سوگیری و جانبداری متعصبانه است. به این معنا که کتابداران سلیقه‌های شخصی خود را در فرایند مجموعه‌سازی، سازماندهی و اشاعه اطلاعات دخالت نمی‌دهند. بلکه می‌کوشند بدون سوگیری در گردآوری و دسترسی به متون مشارکت داشته باشند. مثلاً اگر به هر دلیل آثار نویسنده‌ای را نمی‌پسندند یا علاقه‌ای به گرایش فکری نویسنده دیگری ندارند، آثارشان را از مجموعه حذف نمی‌کنند. بلکه همواره می‌کوشند مجموعه متون موجود در مخزن کتابخانه بازتابی از تنوع ایده‌ها و اندیشه‌ها باشد. در نتیجه آنان از تفاوت بنیادین بین «گرایش‌های شخصی» و «وظایف حرفه‌ای» خود آگاهند و دیدگاه‌های فردی خویش را در مدیریت کتابخانه دخالت نمی‌دهند. اصل ششم به تبیین مبانی حرفه‌ای مربوط به «ارتباط با همکاران و کارفرمایان/ کارکنان»^(۶) می‌پردازد. بر این اساس کتابداران موظفند رفتاری منصفانه، مسئولانه و توأم با احترام با همکاران خود و مدیران کتابخانه‌ها داشته باشند. آنان می‌کوشند از تبعیض و بی‌عدالتی در هر

- 1) Responsibilities Towards Individuals and Society
- 2) Privacy, Secrecy and Transparency
- 3) Open Access and Intellectual Property
- 4) Open Access Movement
- 5) Neutrality, Personal Integrity and Professional Skills
- 6) Colleague and Employer/Employee Relationship



• منشور جهانی اخلاق حرفه‌ای ایفلا

مرحله از فرایند استخدام و ارتقاء شغلی همکاران خویش پیشگیری کنند. بنابراین، در محیط کار متغیرهای غیر حرفه‌ای نظیر نژاد، قومیت، جنسیت، باورهای مذهبی، گرایش‌های سیاسی را دخالت نمی‌دهند. آنان شرایطی فراهم می‌کنند که هر یک از کارکنان موقعیتی متناسب با شایستگی خویش در اختیار داشته باشد. تجربه خود را با همکاران به اشتراک می‌گذارند و به تازه‌واردان کمک می‌کنند مهارت‌های شغلی جدید را فرا گیرند؛ تا با سرعت بیشتری در موقعیت شغلی جدید خود تثبیت شوند. امید آنکه کتابخانه‌های ما بیش از پیش جایگاهی برای تجلی این اصول باشد. ایدون باد!

۱۳

۷. عناوین زرین

نمی‌توان نقش «عنوان» را در موفقیت یک کتاب یا مقاله نادیده گرفت. یک عنوان خوب و جذاب خوانندگان را به مطالعه تشویق می‌کند. عنوانی که به اثر مورد نظر هویت می‌بخشد و آن را در میان آثار دیگر ممتاز و متمایز می‌سازد. عنوان برای کتاب مثل نما برای ساختمان و ویرین برای مغازه است. یک نمای زیبا نگاه رهگذران را جلب می‌کند و ناخواسته این تأثیر را بر ذهنشان دارد که ساختمانی با چنین صورت زیبایی باید طراحی دلدیری در درون داشته باشد. بنابراین، عنوان نخستین نقطه تلاقی ذهن خواننده با کتاب است. در گذشته اهمیت عنوان کتب آنقدر بود که بسیاری از نویسندگان را با عنوان اثرشان می‌شناختند. کتابشناسی را نیز بر اساس عنوان مرتب می‌کردند. مثلاً «کشف الظنون: عن اسامی الکتب و الفنون» اثر معروف حاجی خلیفه ملقب به «کاتب چلبی» به صورت الفبایی عناوین آثار تدوین شده است. کتابشناسی بزرگ «الذریعه الی تصانیف الشیعه» نوشته شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز بر اساس عنوان است. مثال دیگر، «فهرست کتاب‌های چاپی فارسی» متعلق به خان‌بابا مشار است که مدخل‌های آن بر اساس عنوان آثار است. دکتر نورالله مرادی در کتاب



• دکتر عبدالحسین زرین کوب

«مرجع‌شناسی: شناخت خدمات و کتاب‌های مرجع^(۱)» می‌نویسد: «در فرهنگ اسلامی تقریباً همه کتاب‌شناسی‌ها به ترتیب عنوان کتاب‌ها مرتب شده‌اند و این سنت رایج در مشرق زمین بوده است. در کشورهای اروپایی معمولاً کتاب‌ها را به اسم مولف آن‌ها می‌شناسند. و از همین روست که در فهرست‌ها و کتاب‌شناسی‌های اروپایی نام مولف را سر شناسه قرار می‌دهند» (ص. ۴۲).

بنابراین، عنوان به کتاب شخصیت و هویت می‌بخشد. انتخاب عنوانی که هم بازتاب محتوای کتاب باشد و هم بتواند در حیات آن نقشی سازنده ایفا کند، نیازمند هوشمندی و خلاقیت نویسنده است. در آیین نگارش توصیه می‌شود عنوان مختصر، ترغیب‌کننده و بیانگر مهمترین وجه و ویژگی محتوا باشد. البته اصول نوشتن عنوان در آثار مختلف متفاوت است. مثلاً نویسندگان مقالات پژوهشی در انتخاب عنوان با محدودیت مواجه‌اند و باید به دستورنامه مجله‌ها وفادار باشند. مثلاً ضرورت وجود مهمترین کلیدواژه‌ها در عنوان و مقید بودن به ساختار عنوان‌نویسی متداول در هر رشته از جمله این محدودیت‌ها است. اما نویسندگان کتب ادبی و تاریخی آزادی عمل بیشتری دارند و می‌توانند از خلاقیت خود استفاده کنند. به نظرم عناوین آثار ارزشمند زنده‌یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب از بهترین نمونه‌هاست: دو قرن سکوت، با کاروان حله، شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، بامداد اسلام، کارنامه اسلام، از کوچه رندان، فرار از مدرسه، تاریخ در ترازو، بحر در کوزه، سرّ نی، پله

(۱) مرادی، نورالله (۱۳۷۴) مرجع‌شناسی: شناخت خدمات و کتاب‌های مرجع. تهران: فرهنگ معاصر.

پله تا ملاقات خدا، نقش بر آب، پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، روزگاران، شعله طور، از نی نامه، و صدای بال سیمرغ. برای آشنایی بیشتر با آثار این اندیشمند فرهیخته می توانید به کتاب «کارنامه زرین» مراجعه فرمایید. کارنامه زرین یادنامه زنده یاد دکتر زرین کوب است که در سال ۱۳۷۹ به کوشش جناب آقای علی دهباشی و به همت دفتر پژوهشهای فرهنگی منتشر شده است. این منبع ارزنده در ۹۷۴ صفحه شامل سه بخش اصلی است. در بخش نخست، جمعی از نزدیکان، همکاران، شاگردان و سایر دوستان استاد، درباره زندگی و آثار ایشان دیدگاهها و خاطره‌هایی خواندنی نوشته‌اند. بخش دوم سروده‌هایی در بزرگداشت مقام و در سوگ استاد است. در بخش سوم نیز گزیده‌ای از مقاله‌ها و یادداشت‌های این آموزگار فرهیخته درج شده که مثل تمام آثار ایشان سرشار از نکته‌ها و اشاره‌های سودمند است.

۸. حرمان اطلاعاتی و نزدیک‌بینی معرفتی

استاد کامران فانی در گفتگو با جمعی از دوستان خود در ۲۴ دیماه ۱۳۹۳ در کتابفروشی آینده، به مفهوم «تخصص» اشاره کردند و گفتند: «اصولاً با تخصص مخالفم. چون تخصص‌گرایی از انسان فردی تک بعدی می‌سازد، که آن انسان تک‌بعدی کامل نیست. فردی کامل است که بتواند با تمام معارف بشری آشنایی پیدا کند». ممکن است شنونده در ابتدا دچار ابهام شود که منظور از مخالفت با تخصص چیست؟ آیا می‌توان دنیای امروز را با این گستردگی علوم بدون تخصص تصور کرد؟ بدیهی است که هدف ایشان مخالفت با تخصص‌گرایی معقول و منطقی نیست. بلکه تاکید بر پیامدهای افراط در تخصص‌گرایی است، که می‌تواند به «تخصص‌زدگی» منجر شود. منظور متخصصی است که تمام وقت، انرژی و مطالعات خود را در یک رشته دانشگاهی متمرکز می‌سازد، و از سایر عرصه‌ها غافل می‌شود. نه داستان و رمان می‌خواند، نه علاقه‌ای به تاریخ دارد، نه گهگاه دیوان شاعران را تورق می‌کند و نه از اوضاع و احوال رشته‌های هم‌جوار اطلاعی دارد. در نتیجه به تدریج دچار نگاهی محدود و تک بعدی خواهد شد.

سه سال پیش در یادداشتی مختصر به معرفی دو مفهوم «حرمان اطلاعاتی» و «نزدیک‌بینی» پرداختم که بی ارتباط با این بحث نیست^(۱). ابتدا اجازه دهید منظورم را از این دو واژه بیان کنم. به باور نویسنده، «حرمان اطلاعاتی» به معنای بی‌نصیب ماندن خودخواسته از اطلاعات مفید و در دسترس است. در چنین شرایطی افراد نیازمند به اطلاعات به رغم وجود منابع مفید، به دلایل مختلفی بر این باورند که مخاطب این منابع نیستند. نیازی به مراجعه به آنها ندارند و رغبتی برای آگاهی از آنچه در اطرافشان می‌گذرد، ندارند. حرمان اطلاعاتی محصول پیش‌فرض‌های غلطی است که جویندگان دانش را از مراجعه به برخی منابع باز می‌دارد. بر اساس این پیش‌فرض‌ها آنان بدون جستجو و مطالعه، این متون را کاملاً بی‌ارتباط با نیازشان

(۱) منصوریان، یزدان (۱۳۹۰) آثار «حرمان اطلاعاتی» و «نزدیک‌بینی معرفتی» بر فرایند پژوهش. مجله عطف: <http://www.atfimag.info>

ارزیابی می‌کنند. در حالی که بر خلاف این پیش‌داوری، اطلاعات موجود به درجات مختلفی با نیازشان مرتبط است و در شناخت واقعیت‌ها مفید خواهد بود. مثلاً ممکن است دانشجوی مدیریت در مطالعه رفتار سازمانی، خود را از نظریه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بی‌نیاز بداند. زیرا ظاهراً این آثار خارج از تخصص او هستند. اما چگونه می‌توان رفتار کارکنان یک سازمان را بدون توجه به مولفه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بررسی کرد؟ زیرا هر سازمان بخشی از یک جامعه بزرگتر است و هر عضو آن ویژگی‌های عاطفی و شخصیتی خود را دارد.

«نزدیک‌بینی معرفتی» نیز محصول همان نگاه یک‌جانبه و محدود در بررسی پدیده‌ها یا رخدادهای مورد مطالعه است. این ناتوانی از بی‌توجهی به وجوه متعدد پدیده‌ها و محدودیت در گستره و عمق نگرش به چیستی و چگونگی آنها ناشی می‌شود. اما محدودیت ایجاد شده بیش از آنکه ناشی از نقصان در دانش موجود باشد، در اثر بی‌اعتنایی به آن است. در نتیجه، نزدیک‌بینی معرفتی نوعی «جهل خودخواسته» یا «نادانی داوطلبانه» است. چرا که امکان دیدن وجوه مختلف پدیده مورد بررسی وجود داشته، اما فردی که این بررسی را انجام می‌دهد خود را از دانش موجود محروم کرده است.

به نظرم برای پرهیز از عوارض حرمان اطلاعاتی و نزدیک‌بینی معرفتی نخست باید دامنه مطالعات خود را افزایش دهیم. خواندن رمان و کتب تاریخی را کم‌اهمیت تلقی نکنیم. گاهی هم به مطالب رشته‌های هم‌جوار سر بزنییم. ضمناً توجه به پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای^(۱) نیز بسیار الهام بخشند. این مطالعات ما را به کار گروهی و بررسی مسائل از وجوه مختلف ترغیب می‌کند. هر گاه از منظر علوم مختلف به یک پدیده بنگریم امکان رسیدن به شناخت جامع‌تر و دقیق‌تر فراهم خواهد شد. البته نوع و میزان ارتباط رشته‌ها متفاوت است و بسته به موضوع تحقیق تعداد و تنوع پیوندها یکسان نیست. بنابراین، تشویق پژوهشگران به مراجعه به متون رشته‌های دیگر در چارچوب همین پیوندها معنی می‌یابد. بنابراین، بدیهی است که نمی‌توان انتظار داشت که مثلاً پژوهشگران حوزه ادبیات تطبیقی در مطالعات خود به مقالات بیوشیمی مراجعه کنند! بنابراین وجود حداقل ارتباطات موضوعی پیش‌نیاز تبادل دانش در مطالعات بین‌رشته‌ای است. در مجموع می‌توان گفت، مطالعه گسترده، متنوع، و چندجانبه از جمله راه‌های موجود برای فرار از حرمان اطلاعاتی و نزدیک‌بینی معرفتی است.